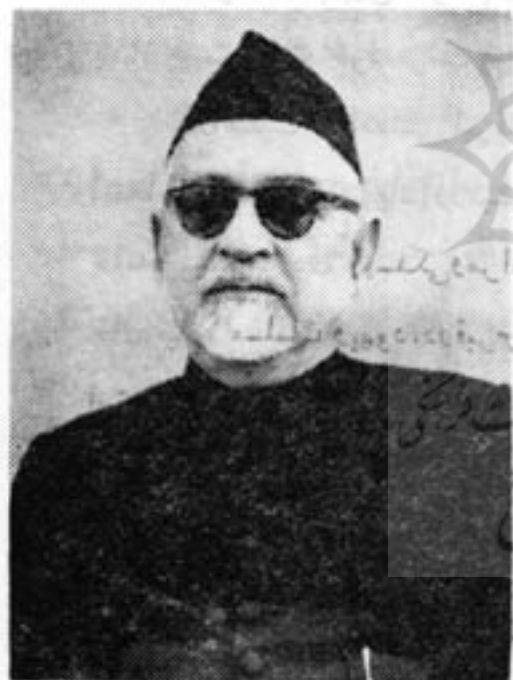


انتخاب استاد ذاکر حسین

بر ریاست جمهوری هند

دال بر نظر بلند و همت ارجمند ملت نجیب هنداست



هندی مانند برادر آریایی خود، ایرانی، به

آزادگی و آزادمشی نامور است :

۴۰ ساله تاریخ هزاران سال اهندکهن ادرا ورق بز نید،

ت از کهنه میاید کیم هند نسبت بهمسایگان خود دست

تجاوز و تعدی دراز کرده باشد. دین و آئین هندی

که از کهن ترین دینهای جهان است بر پایه گذشت و

همزیستی اصلاحجویی و ایلی آزادی نهاده شده است.

۴ مهاتما گاندی رهبر بزرگ هندیا جریه Ahimsa

یا دینی آزادی، Satya یا «حق جوئی» بود که

بشرفترین امپراتوری جهان را شکست و هند را

آزاد ساخت.

اقلیت مسلمان قرنهای بر اکثریت هندوان

سلطنت راندند، هندوان بدون توجه بکیش

و معتقدات فرما نروایان خود با سازگاری و بردباری کردن بفرمان نهادند و بیاری و همکاری
آنان همت گماردند: هموطنان خودما، زردشتیان، در صدر اسلام برای حفظ آداب و رسوم
خود از فارس بهند مهاجرت کردند و پناهنده شدند زیرا محیط متشنج ایران آن روز را برای حفظ
آزادی معتقدات باطنی خود ناساعدت یافتند. مهار آجای آن دیار با آغوش باز آننها پذیرائی نمود.
این گروه سرگردان چون از استان فارس عزیمت کردند آنرا «پارسی» مینامند، از آن زمان تا
امروز یعنی در طول ۳۰ قرن در کنه سلطنتی و آزاد ملتین و اتحادات پروری هندایان در آنها هایت
آمایش و آراوش و ایامیستل پس برده و میبرند. کاتبه آن صبیح کسایه آن زمانه میان ما

ممکن است این پرسش پیش آید: پس چرا در این اواخر اصطکاکاتی میان مسلمانان و هندوان رخ داده: علت خیلی واضح است: هند بزرگ در دو قرن گذشته گرفتار سه پنجه خونین و ننگین استعمار و استثمار بود: مشی سیاسی استعمارگران ستمگر بر این جاری بود که: «تفرقه بیانداز و حکومت کن»، این استعمارگران بی ایمان بودند که آتش اختلافات را میان مسلمانان و هندوان دامن میزدند و با این تدلیس ابلیسی بود که مشی انگلیسی توانستند مدت دو قرن برپهنه هند فرمانروائی کنند.

این خوی سماحت و آزادمنشی و صلح جوئی از ویژگیهای نژادنجیب آریائی است: آشوزردشت پیامبر ایران باستان در همه گفته‌های خردمندانه خود همه جا فرمان بازادیخواهی و جوانمردی و آزاد منشی و صلح دوستی داده است. به پیروی از این تعلیمات عالی بود که چون کورش بر بابل دست یافت نود هزار اسیران یهودی را آزاد ساخت و بهزینت خود آنانکه خواستند بمیهن خود بازگردند پس فرستادند و پرستشگاه آنان را در بیت المقدس بازار جیب قنوت خود مرمت فرمود.

در منقبت آزادمنشی ایرانی و هندی تنها بداستانسرائی اکتفا نمیکنیم: اینک نحوه انتخابات اخیر هند را یادآور میشویم: در جهانی که پر از تعصبات جاهلانه مذهبی و اختلافات خانه بر انداز نژادی و مسلکی و مرامی است: در امریکای متمدن سیاه و سفید هم دیگر راه یکشدند، در خاور میانه مسلمان و یهود، در قبرس مسیحی و مسلمان، در ویتنام شمالی و جنوبی در افریقا بومی و استعمارگر در این هنگامه اکثریت هندو و میان یک نفر مسلمان را برای زمامداری بر میگزینند و مقدرات خود را در کف با کفایت او میسپارند. باقتضای اهمیت موضوع باز هم تکرار میکنم: هندوان برای ریاست جمهوری کشور پهناور خود یک مسلمان دانشمند رای میدهند.

این نظر بلندی هندی بویژه در روزگاری که تعصبات احمقانه چشم و گوش مردمی که کوس تمدن میزنند کور و کور ساخته شایان همه گونه تحسین و آفرین است. حق اینست کشورهای که خود را پیشرفته میدانند و متمدن میخوانند، این درس بزرگواری را از هند همان هندی که آنرا «در حال پیشرفت» مینامند یعنی «عقب مانده» میشناسند یاد بگیرند و از کشتار مفتضحانه یکدیگر بجرم رنگ پوست یا تمایلات سیاسی و یا معتقدات مذهبی دست بردارند و یاد بگیرند که چگونه بافکار و معتقدات یکدیگر احترام بگذارند و در محیط همزیستی با سازش و آرامش بسر برند و انسان را از نظر «انسانیت» معزز و محترم بدانند که گفته اند:

تن آدمی شریف است بجان آدمیت نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

سالیان درازاست که بهند و فرهنگ درخشان هند که شاخه از تمدن وسیع «هندوآریائی» است دلپسنگی دارم. این دلپسنگی ناشی از آشنائی بکنجینه‌های ادبی ارزنده و آموزنده هند است: وداها، ادپانشادها، بهاگواتگنیا، یوگا بشت ... از عالی ترین تراوشات اندیشه بشری است. هر کس که اندک بهره از ذوق سلیم داشته باشد و باین گفتارهای نغز پر مغز آشنا شود ناچار مجذوب میگردد.

بدرستی این گونه انتخابات هندی که منجر به برگزیدن دکتر ذاکر حسین مسلمان از میان اکثریت قاطع هندوان میشود موید گفتار ماست و موجب میشود که بیش از پیش باصالت و نجابت ملت بزرگ هند معتقد شویم: در اینگونه انتخابات که منجر باین توفیق عظیم شد ۱۲۰ میلیون هندی آزادانه رأی میدهند. نمونه این آزادی واقعی را در خود سفارت هند در تهران بچشم خود دیدم: هنگامی که وارد بر کارمندی از هندیان در سفارت شدم مشغول نوشتن رأی بود تا بهند بفرستند. گفتگو از چگونگی انتخابات هند شد. گفت همین امروز هم من رأی دادم و هم همسرم، و حال آنکه نه من پرسیدم او بکی رأی داد و نه او میداند من بکی رأی میدهم! این ادعا حرف تو خالی نبود، ملتی که هنوز هشتاد درصد از نعمت سواد بی بهره اند هنگامی که پای وطن پرستی و آزادی عقیده که مظهر آن «آزادی انتخابات» پیش میآید اغراض فردی و مطامع شخصی را کنار میگذارند و اینطور رأی میدهند: «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل» این ذاکر حسین کیست و سابقه او چیست که اینچنین مورد تکریم و احترام اکثریت ملت ۵۰۰ میلیونی هند بزرگ از همکیش تا غیر همکیش قرار گرفته است؟

استاد ذاکر حسین پیش از همه چیز «فرهنگی» است، همه عمر را بادانش و دانشگاه و دانشمندان در تماس دائم بوده و در پایه گذاری فرهنگ نوین هند سهم بسزائی دارد. علاوه بر مراتب فضل و دانش در سیاست نیز مقام ارجمندی دارد: از همکاران نزدیک رهبر بزرگ هند مهاتما گاندی بوده و هنوز در دانشگاه علیگر دوران دانشجویی را میگذراند که پیام گاندی را برای آزادی هند از زنجیر استعمار انگلیس با گوش جان شنید و با دل پذیرفت و بیاری و همکاری شتافت.

اساساً پهنه هند از دیر زمان سرزمینی بوده دانش پرست و بینش پرور: چه بسیار مردان روشن ضمیر از آنجا برخاسته و چه گفتارهای آموزنده و ارزنده از خود باقی گذاردند. هند سرزمین عرفان و ایمان و الهام است و دانش هندی با بینش یعنی علم با معرفت آمیخته است، و بزرگی هند در همین است. باقتضای همین خالق و خوست که در روزگار ماهنگامی که پای انتخابات در میان میآید

یا شخصی مانند دکتر رادا کریشنا انتخاب میشود و یا برای جانشین او دکتر ذاکر حسین. دکتر رادا کریشنا که پنج سال وظیفه سنگین نیابت ریاست و پنج سال دیگر ریاست جمهوری هند را با شایستگی و حسن نیت هر چه تمامتر انجام داد هفده سال رئیس بخش فلسفه شرقی دانشگاه نامی اکسفورد بود. پس از آنکه بمعاونت ریاست جمهوری هند بر گزیده شد تا مدتی چهار دانشگاه بزرگ انگلستان ماهی یک بار هزینه مسافرت او را میپرداختند و او را برای ایراد سخنرانی بدانشگاههای خود دعوت میکردند. هنگامیکه دکتر رادا کریشنا ریاست جمهوری هند را بر عهده داشت معروف بود که در سرتاسر جهان بزرگترین دانشمندی بود که زمام مهم حکومت ملتی را در اختیار داشت. در حقیقت او تجسم آرزوی قلبی افلاطون بود که برای بهبود اوضاع جهان معتقد به «سلطان فیلسوف مشرب» بود.

سال گذشته نگارنده افتخار بدیدار دکتر ذاکر حسین هنگامیکه نیابت ریاست جمهوری هند را بر عهده داشت نایل آمدم. ذاکر حسین علاوه بر اینکه زبان انگلیسی و آلمانی و هندی و اردو و عربی را خوب میداند در زبان فارسی هم تبحر دارد. چون صحبت از «یوگی» بمیان آمد، به طنز از من پرسید که آیا تا کنون «یوگی حقیقی» را دیده ام. این پرسش افکاری بود و چون فکر او را خواندم در پاسخ از او پرسیدم که آیا او هم بنوبت خود در این روزگار هیچ «صوفی واقعی» را دیده است. خندید و شاهد از مثنوی آورد و فرمود:

دی شیخ با چراغ همی گشت کرد شهر کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

گفتم که یافت میشود گشته ایم ما مطالعاً گفت آنکه یافت مینشود، آنم آرزوست

باتوجه بمشکلات طاقت فرسایی که هم اکنون در پهنه هند از فقر عمومی و شیوع قحطی و اختلافهای زبانی و مرزی و مسلکی و غیره حکمفرماست ما مزید توفیق و کامیابی این رهبر دانشمند ملت بزرگ هند را از صمیم قلب خواهانیم.